

مهدویت و جهانی شدن

مهدویت و جهانی شدن، هر دو از جمله مباحث مهم و دغدغه‌های روزگار ماست. اعتقاد به ظهور منجی و مهدویت در معنای عام خود، يك باور دینی فراگیر در بین انسان‌ها بوده است...



مهدویت و جهانی شدن، هر دو از جمله مباحث مهم و دغدغه‌های روزگار ماست. اعتقاد به ظهور منجی و مهدویت در معنای عام خود، يك باور دینی فراگیر در بین انسان‌ها بوده است.

از سوي ديگر ما در روزگار خویش شاهد پدیده دیگری با عنوان «جهانی شدن»؛ هستیم. وضعیت جهانی شدن با رشد تکنولوژی ارتباطات همراه بوده که موجب فشردگی زمان و مکان، همجواری مجازی، کش آمدن مناسبات اجتماعی در طول مکان، کوچک شدن جهان و در نهایت به تعبیر مارشال مک‌لوهان، پیدایش «دهکده جهانی» شده است.

از این رو مسئله پیشاروی نوشتار حاضر این است که چه نسبتی بین حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) و پدیده جهانی شدن وجود دارد؟ به تعبیر دیگر چنین پرسشی در ذهن ما برانگیخته می‌شود که آیا ما در عصر جهانی شدن می‌توانیم فراتر از باور دینی - اعتقادی خود به ظهور منجی موعود، چگونگی تحقق آن را به راحتی درک کنیم؟ مطلب حاضر که به نقل از خبرگزاری آینده روشن چاپ می‌شود، تلاش دارد تا ضمن ارائه تعریفی از جهانی شدن نسبت آن را با آموزه مهدویت بسنجد.

نگرش‌های مختلفی در باب تبیین ماهیت و چیستی جهانی شدن وجود دارد. برخی از منظر طرفداری و حمایتی سخن گفته‌اند و برخی به انتقاد از آن می‌پردازند. پیش از بررسی برداشت و قرائت سازگار از جهانی شدن با ایده مهدویت اسلامی پاسخ به این پرسش ضروری است که آیا جهانی شدن پدیده‌ای ضروری و به تعبیر دیگر يك فرایند تاریخی است یا صرفاً پروژه‌ای طراحی شده است تا سیطره فرهنگ و تمدن غربی را بر جهان تثبیت و نهادینه سازد؟ در کل نگرش به جهانی شدن وجود دارد:

1 - «جهانی شدن»؛ به‌عنوان يك پروسه تاریخی که به‌دلیل پیشرفت و انقلاب در تکنولوژی ارتباطات فراهم آمده است. پیدایش وسایل ارتباطی مثل تلفن، ماهواره، اینترنت و... زمینه‌ساز تحقق جهانی شدن به‌عنوان يك پروسه محسوب می‌شوند که انسان قرن ۲۱ آن را تجربه می‌کند. در چنین قرائتی جهانی شدن محصول فشردگی زمان و مکان، بریدن فضای زندگی مشترک اجتماعی از مکان، همجواری و پیچیدگی ارتباط انسان‌ها است.

2 - جهانی شدن به‌عنوان يك پروژه غربی را عمدتاً منتقدان جهانی شدن مطرح ساخته‌اند. در این نگره، جهانی شدن همان جهانی‌سازی و به تعبیر دیگر غربی‌سازی و آمریکایی‌سازی جهان است که درصدد است، هنجارها و ارزش‌های غربی را در جهان محقق سازد. به تعبیر دیگر «جهانی‌سازی»؛ نقشه‌ای است برای تحقق رسالت دیرین انسان سفید سرمایه‌دار غربی که زمانی از طریق تهاجم نظامی و استعمار کهن، تاجران و ماموران مذهبی دنبال می‌شد ولی اکنون به تعبیر فیسک به کمک ماهواره و تکنولوژی ارتباطات غسل تعمید داده شده است. در يك کلام، مقصود، همان فرهنگ غربی است.

بدیهی است که جهانی شدن به معنای دوم با ایده و فرهنگ اسلامی به هیچ وجه سازگاری ندارد و از این رو در کل از موضوع مطالعه این پژوهش خارج می‌شود. در واقع جنبش اسلام‌گرایی معاصر خود در نقد و چالش با سیطره و هژمونی غرب شکل گرفته است و طبیعی است که مدینه فاضله اسلامی مهدوی نیز به هیچ وجه با آنچه در غرب شکل گرفته است، سازگاری نخواهد داشت.

۳ - جهانی شدن به مثابه يك پدیده. طبق این تلقی در وضعیت جهانی شدن مؤلفه‌هایی وجود دارد که لزوماً آنها را نمی‌توان در قالب پروژه یا پروسه تبیین کرد.

مهدویت اسلامی

مهدویت به‌عنوان مدینه فاضله اسلامی و ظهور منجی موعود تدبیری الهی است تا آمال و آرزوهای بشریت در طول قرن‌ها تحقق یابد. تحقق چنین عصری مستلزم آماده‌بودن زمینه‌ها و شرایط لازم است. بدین جهت است که مهدویت اسلامی می‌تواند با پدیده‌ای به نام جهانی شدن ارتباط پیدا کند. بدون تردید مدینه فاضله مهدوی دارای ویژگی‌هایی است که در مطالعه تطبیقی حاضر توجه به آنها ضرورت دارد.

در ذیل برخی از این ویژگی‌ها و ابعاد را بررسی می‌کنیم:

الف) مهدویت و غایت تاریخ: در مورد فلسفه تاریخ و غایت آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و در برخی نگرش‌ها تاریخ، خصلتی دوری دارد و همواره در چرخه‌های خاص خود در حال تکرار است. هر چند چنین نگرشی در برخی مذاهب باستان مثل آیین هندو وجود دارد اما در ادیان آسمانی- ابراهیمی تاریخ، سرانجامی داشته و دارای غایتی است که در حال حرکت بدان سو است. از نگرش اسلامی سرانجام تاریخ بشری، تحقق وعده الهی، حاکمیت حق و مدینه فاضله اسلامی است. تحقق چنین مدینه‌ای قطعی و يك سنت الهی است. تحقق چنین غایتی، وضعیت جدیدی برای بشر است که يك جامعه بشری مبتنی بر فطرت الهی را به‌وجود می‌آورد. در

چنین جامعه‌ای کل بشریت سهیم بوده و غایت و آمال تمامی انسان‌هاست.

ب) بعد جهانی مهدویت اسلامی: ادیان، خصلتی جهانی دارند. به دلیل وحدت ذاتی جهان هستی که همه امور به ذات حق برمی‌گردد، پیام الهی برای تمامی انسان‌هاست و تنوع ادیان آسمانی نه به دلیل تنوع در محتوا و پیام بلکه در ویژگی‌های عصری آنهاست. پیام الهی واحد است (ان‌الدین عندالله الاسلام) و در نتیجه مخاطب آن نیز تمام انسان‌ها هستند. از این‌رو مهدویت اسلامی نیز هرگز تعلق به سرزمین یا قوم و نژاد خاصی ندارد و تدبیر الهی برای تمامی انسان‌هاست و از این‌رو گستره‌ای جهانی دارد.

ج) صبغه الهی-دینی #171؛ دولت مهدوی؛ (عج): انسان مدرن با غالب ساختن خرد ابزاری خویش عرصه جامعه و سیاست را جولانگاه خواسته‌ها و خواهش‌های خویش قرار داد و حکم به جدایی عرصه دینی و سیاست کرد. ثمره چنین تفکیکی بحران معنا در عصر مدرن بود که به دلیل تعارض و تضاد آن با ساختار وجودی انسان به وجود آمده بود. عصر مدرن با تفکیک این دو عرصه از یکدیگر زمینه تضاد درونی را در انسان‌ها دامن می‌زد. از یک سو نفی دین در کل، موجب نقصان هویت وجودی انسان عصر جدید می‌شود و از سوی دیگر حکم به تفکیک دین و سیاست، به‌رغم پذیرش دین در عرصه خصوصی، موجب تضاد درونی هویت انسان مدرن بود. در جامعه مهدوی نیز امام معصوم (ع) لطفی الهی است که با هدایت خویش و اجرای احکام الهی در عرصه فردی و اجتماعی جامعه را به سوی سعادت رهنمون می‌شود. از این‌رو ویژگی جامعه اسلامی عصر مهدوی برخلاف نگرش عصر جدید تأکید بر فضیلت و سعادت است درحالی‌که عصر جدید صرفاً بر آزادی انسان مبتنی بود و دغدغه فضیلت و سعادت بشر را نداشت.

د) تکامل فکری بشری و رشد آگاهی انسان‌ها: به‌رغم وجود انحرافات فکری در ادوار مختلف تاریخی، انسان‌ها در طول تاریخ شناخت تکامل‌یافته‌تری از جهان اطراف خویش داشته‌اند و سیر تفکر بشری همواره در سمت و سوی تسخیر عرصه‌های ناشناخته جدیدی حرکت کرده است. عصر ما نیز هر چند دچار آفات و انحرافات فکری است اما در مجموع فرصت شناخت بیشتری نسبت به گذشته از جهان داشته است. رشد و پیشرفت علوم با کشف عرصه‌های جدید دانش در بسیاری موارد مویذ آموزه‌های اعتقادی-دینی بوده است و انسان‌ها از طریق سیر آفاقی، عرصه‌های جدیدتری از عظمت خلقت الهی را شاهد بوده‌اند.

ه) گسترش عدل و داد بر سراسر گیتی: ایده عدل و داد از جمله آرمان‌های بشری است که در جامعه موعود و به دست منجی تحقق خواهد یافت. حکومت عدل و داد و رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها وعده الهی برای مستضعفان است. از این‌رو آن حضرت جامعه عادلانه را بر پا خواهد کرد. هر چند غایت اصلی جامعه مهدوی زمینه‌سازی سعادت و فضیلت و تکامل انسان‌ها است اما طبعاً عدل و داد یکی از زمینه‌های لازم تحقق چنین آرمانی خواهد بود.

سخن آخر

چنان‌که گذشت جهانی‌شدن تعابیر و تفسیرهای مختلفی دارد. همچنین جهانی‌شدن را در ابعاد مختلفی می‌توان مدنظر قرار داد. در سنجش نسبت مهدویت اسلامی با پدیده جهانی‌شدن توجه به این تمایزات ضرورت دارد. بدون تردید مهدویت اسلامی با برخی از قرائت‌های جهانی‌شدن سازگاری ندارد. از این‌رو لازم است تا با تفکیک این مفاهیم و تفاسیر جهانی‌شدن از یکدیگر آنها را با مهدویت اسلامی سنجید.

همشهری آنلاین- غلامرضا بهروزک